

نهادهای دینی ابتدائی «توتیمیس»

دکتر جمشید آزادگان

طرح کلی رساله

الف - خلاصه

این رساله با عنوان «نهادهای دینی ابتدائی و نقد و تحلیل نظریه‌های مربوط به آنها (توتیمیس)»، در هفت فصل و در حدود ۴۰۰ صفحه نوشته شد. ★ فصل اول به بیان مفاهیم اصلی واژگان خاصی اختصاص دارد که در مردم‌شناسی فرهنگی بکار رفته و در این رساله نیز مجبور به استفاده از آنها بودیم و در اینجا کوشیده‌ایم تا بار معنایی هر واژه را بدانسان که مراد علمای مردم‌شناس و دین‌شناس بوده است روشن گردانیم.

فصل دوم بیان وصفی بدون اظهار نظر توتیمیس‌های موجود و معدوم اقوام ابتدائی نقاط مختلف جهان است که بطور عمده عبارتند از بومیان استرالیا، آفریقا، سرخ‌پوستان امریکا، ملانزی و چند جای دیگر. در این

★ این بحث تخصصی به‌عنوان پایان‌نامه دکتری در گروه آموزشی ادیان و عرفان دانشکده الهیات، در بیست و هشتم بهمن ۱۳۶۴ با راهنمایی استاد ارجمندم آقای دکتر فتح‌الله مجتبائی، از لحاظ دین‌شناسی و آقای دکتر محمود روح‌الامینی، از لحاظ مردم‌شناسی دفاع شد و با درجه «بسیار خوب» مورد تصویب هیئت‌داوران قرار گرفت.

فصل از آثار مردم‌شناسانی استفاده شده است که بسیاری از آنها سالیان دراز - بین يك تاسی سال - در محل تحقیق خود بسر برده‌اند و ره‌آورد سفر آنان از يك مقاله تا چندین جلد کتاب و گاه محمولات دریائی فراوانی از وسایل زندگی ابتدائی بومیان مورد تحقیق خود بوده است.

فصل سوم سیر تاریخی کوتاهی است از سابقه تحقیقات مردم‌شناسی که در یکی دو قرن اخیر صورت گرفته است. در این فصل، از مردم‌شناسان و محل تحقیق آنان و آثاری از آنان که بموضوع خاص رساله (توتیسم) ربط مستقیم دارد ذکر می‌مان آمده و سعی شده است که توالی تاریخی در بیان مطالب این فصل رعایت شود، بطوریکه بیان کار و ذکر آثار با شرح احوال هر محقق بترتیب سنواتی شروع می‌شود.

فصل چهارم اختصاص به بیان تئوری‌هائی دارد که تا پایان قرن نوزدهم توسط مردم‌شناسان در توتمیسم ارائه شده است. در شرح آن تئوری‌ها حتی الامکان سعی شده است که دونکته رعایت شود: یکی توالی تاریخی تئوری‌ها و دیگر خودداری از اظهار نظر انتقادی، زیرا فصل مستقلاً به نقد و تحلیل تئوریهای توتمیسم در پایان رساله اختصاص یافته است.

در فصل پنجم نظریه‌هائیکه دانشمندان مردم‌شناس قرن بیستم درباره مسأله توتمیسم آورده‌اند مطرح میشود. تفکیک تئوری‌های توتمی به دو فصل چهارم و پنجم از آنرو بوده است که نظریه‌های مطرحه قرن پیش غالباً یکدست و از دیدگاههای نه‌چندان متفاوتی بوده است و تقریباً هیچ محققى در نفی یا انکار اصل موضوع یعنی توتمیسم نکوشیده است. اما در قرن بیستم بیاری اختراعاتی که اکتشافاتی تازه را در مردم‌شناسی ممکن ساخت، تحول و حتی انقلابی علمی در این زمینه پدید آمد و دانشمندان به شناخت‌های تازه‌ای که بکلی متفاوت و حتی متضاد با شناخت‌های قرن پیش بود دست یافتند، تا جائیکه علمای متأخر، بسیاری از نظریه‌های علمای سلف را در این زمینه با دلایل علمی مردود دانستند و بعض دیگر چون لوی استروس و اغلب پدیده‌شناسان در اصل و اساس آن شك علمی وارد آوردند، یا دیگری چون فروید آنرا - توتمیسم را - بکلی از دیدگاه

بی سابقه‌ای نگرینست که گرچه بعدها به اعتبار اولیه خود باقی نماند، ولی بهر حال زاویه‌های بازتری برای مشاهده آن، بروی دانشمندان گشود.

فصل ششم بدو بخش مربوط بهم تخصیص یافته است: یکی ساختگرایی یا استروکتورالیسم، و دیگری نگرش ساختگرایی کلودلوی-استروس به توتمیسم. در بخش یک این فصل، مکتب نوپیدای استروکتورالیسم، معنی و مفهوم علمی، سابقه تاریخی، خاستگاه و جایگاه رشد و گسترش، و کاربرد آن در حوزه‌های شناخت علمی دیگر چون زبان‌شناسی، اسطوره‌شناسی، ادبیات، ژنتیک، کامپیوتر و امثالهم به اختصار مطرح است، و در بخش دوم همان فصل، سخن از نگرشی درمیان است که لوی استروس در توتمیسم در پیش گرفته است و آنرا، یعنی توتمیسم‌را، در حد خود نخست موضوعی قابل انکار معرفی مینماید، و در نهایت که میخواهد بهائی ناچیز به آن بدهد، آنرا مقوله‌ای جزئی در محتوایی کلی - ساخت کلی و اصول عام اندیشه انسانی - می‌شناسد.

در فصل هفتم، که فصل پایانی است، به نقد و تحلیل تئوریهای مربوط به توتمیسم پرداخته‌ایم. در این فصل، نظریه‌های مختلف بترتیبی آمده‌اند که در طول زمان از جانب نظریه‌پردازان مربوط مطرح شده‌اند. علمائی که نقدها و تحلیل‌هایشان در این فصل آمده، غالباً علمای قرن حاضر هستند که نسبت به تمام یا بخشی از نظریات پیشینیان یا معاصران خود بحث‌هایی انتقادی بمیان کشیده‌اند.

لازم به یادآوری است که هر سه فصل چهارم و پنجم و ششم به بیان تئوری‌های توتمیسم تخصص یافته است - فصل چهارم تئوری‌های تا پایان قرن نوزدهم، فصل پنجم تئوری‌های قرن بیستم، و فصل ششم مختص لوی استروس و دیدگاه ساختگرایی اوست. لهذا به این اعتبار که در فصول پیشین، تئوریهای توتمیسم بحد کافی شرح داده شده است، نظرات انتقادی مطرح شده در فصل هفتم از لحاظ طول کلام یا کوتاهی آن، طوری بیان شده که حد بین «اطناب مهمل» و «ایجاز مخمل» رعایت شده باشد. پس اگر مطلبی در فصل هفتم کوتاه بنظر آید، یا اگر به نظریه‌ای اشاره‌ای گذرا شده باشد، در صورت لزوم، میتوان به فصل یا فصول مربوط مراجعه نمود.

ب - نتیجه

در پایان میپردازیم به استخراج چند نتیجه مختصر که از مطالعه و مقایسه تئوری‌های مطرح شده بدست می‌آید.

۱- وجه مشترك تقریباً تمام آن تئوری‌ها، که مشکل بزرگ هر يك از آورندگان نظریه‌ها و اساس کوششهای آنان بوده است، نکته‌ای است که شاید بتوان آنرا «منشاء یابی» نامید. هر صاحب‌نظریه‌ای، در پاسخ به این پرسش که منشاء توتمیسم چیست سخنی گفته و کمتر تئوری‌هائی را میتوان یافت که در باب منشاء توتمیسم باهم حتی در کلیات مطابقت داشته باشد. مثلاً محققى منشاء توتمیسم را اسمی میداند (لنگ)، دیگری آنرا ناشی از آبستى (فریزر)، سومی نفع مادی که قبیله یا قبایلی از توتم‌ها میبرند - ارتزاق، دادوستد، تولید و تکثیر وامثالهم (فونکسیونالیستها) - چهارمی منشاء را روح جمعی (دورکیم) پنجمی نفس فردی (فروید)، ششمی متقابل اندیشی ذهن آدمی (ردکلیف براون) و هفتمینطور الی آخر، تا میرسد به لوی استروس که مبداء آنرا در ساختار اصول عام اندیشه انسانی میداند. همین برخورد منشائی به توتمیسم، خود تضمین پیش فرضی است، یعنی فرض شده است که پیدایش توتمیسم در جهان بومیان حتماً باید منشاء واحدی داشته باشد، و این به احتمال بسیار، برخوردی غیر علمی است، زیرا نه تنها منشاء توتمیسم، بلکه مبادی بسیاری از پدیده‌های انسانی و اجتماعی بقدری در گذشته‌های بسیار بسیار دور هزاران ساله قرار دارند که دیگر همچون موردی دست نیافتنی باید بشمار آید، حال آنکه بگفته میرچا ایلیاده Mircea Eliadé حداکثر اطلاعات علمی و مستند ما از گذشته انسان، از عهد حجر فراتر نمیرود.

۲- وجه مشترك دیگر بسیاری از نظریه‌پردازان توتمیسم، کوششی بوده است که همه آنها برای کشف يك نوع توتمیسم دست اول، محض، بحث، و ناب کرده‌اند. همچنین جستجوی يك نوع توتمیسم محض اولیه باز پیش فرضش آن است که در آغاز، نوعی توتمیسم ساده و بسیط بوده، سپس توتمیسم‌های بعدی از آن سربرآورده، رشد کرده، انشعاب یافته و متعدد گشته‌اند. باز این خود، چیزی است که در خوش بینانه‌ترین برخورد،

نه قابل رد است نه قابل اثبات، و چیزی که نه قابل رد است و نه قابل اثبات، علمیت ندارد، حال آنکه پژوهش در مردم‌شناسی فرهنگی باید حتی الامکان، پژوهش علمی، مستند و مبتنی بر شواهد، و بدور از خیال‌پردازی باشد. اما بقول اچ. آر. هیس در کتاب تاریخ مردم‌شناسی، مردم‌شناسان چندان هم خالی از خیال‌بافیهای شخصی نیستند، و ذوقیات و اخلاقیات و سوابق فرهنگی آنان غالباً در نظریه پردازیهایشان بگونه‌ای منعکس است.

۳- مابه‌الاشتراک دیگر علمای مردم‌شناس آن است که زیاده از حد یک‌جانبه، بی‌انعطاف و بطور منطقی به امور عاطفی و هیجانات روحی و نفسانی مردمی ابتدائی و نیمه‌وحشی برخورد میکنند که سراسر پهنه زندگی آنان را اعمال و احوال عاطفی، عقاید اساطیری، و باورهای غیرمنطقی فراگرفته است. اعمال آن‌همه دقایق علمی و سنجیدگی هوشیارانه و منطقی در مورد مردمان متمدن و متجدد جوامع پیشرفته صنعتی و غیر سنتی شاید محل و مورد داشته باشد، اما کشاندن روشهای علمی مبتنی بر تجربه‌های انسان معاصر از قلب جوامع جدید تا اعماق جنگل‌های وحشی‌نشین و اعصار گذشته احتمالاً نوعی قیاس بنفس یا چون خودانگاری بومیانی است که حداقل قرن‌ها با تفکر دانشدانه مردم‌شناسان خود فاصله دارند. گاه علمای مربوط دراینکار از یکدیگر سبقت هم میگیرند. دراین میان معدودی چون فروید، ایوانس پریچارد و لوی - استروس مستثنی هستند.

۴- مشترک‌فیه بسیاری از دانشمندان مردم‌شناس در اظهار نظریات خود یکی نیز آن است که کمتر کسی از آنان یافته‌های علم مردم‌شناسی را تا این زمان غیر کافی برای بیان نظریه‌ای در این مورد میدانید، حال آنکه سوابق، اطلاعات، اکتشافات و دست‌آوردهای علمی بسیاری، بیش از آنچه تا کنون بدست آمده، لازم است تا زمانی فرارسد که بتوان درباره پدیده‌های چون توتمیسم با همه ابهامات و پیچیدگیهای آن نظریه‌ای بیان داشت که نزد اکثر دانشمندان این رشته مورد اتفاق نظر باشد. شاید هم دانشهای نوپیدای آینده دراین راه بتوانند به‌چنان خواسته‌ای یاری برساند و این

نکته‌ای است که نظر نگارنده نیز بر آن است و امیدوار است که با اکتشافات و تحقیقات جامع‌الاطراف آینده و تجربه روشهای علمی جدید و نقادی آنها بتوان روزی در این باره با اطمینان و صحت و قطعیت بیشتری داوری نمود.

تعریف توتمیسم

باتوجه به مختصات آن

برابر آنچه در رساله آمده و خلاصه آن از نظر گذشت، توتمیسم شیوه‌ای از اندیشه و اعتقاد انسانهای ابتدائی بوده که اعمالی نیز متناسب با آن اعتقادات (بصورت مراسم، آئینها، و کنشهای فردی و جمعی) از بومیان معتقد به توتم مشاهده شده که کلاً بر محور گیاهان و جانوران و گهگاه نیز پدیده‌های دیگر قرار دارد. از نوع توتمیسم فردی نیز سخن بمیان آورده، نمونه‌هایی بدست دادیم، لکن فراوان‌ترین، معمولترین و ابتدائی‌ترین توتمیسم‌ها، همانا توتمیسم گروهی است که ویژگیهای آنها در زیر چنین خلاصه میکنیم که توتمیسم:

(۱) رابطه رمزی یا پنهانی انسانهای ابتدائی با انواعی از جانوران، گیاهان، پدیده‌های طبیعی یا اشیاء مصنوعی است که در علم مردم‌شناسی آنها را توتم میگویند. انسانهای ابتدائی به صورت خاندان، کلان، قبیله و امثال آن با توتم مربوط هستند.

(۲) انواع، اشیاء، و پدیده‌های یاد شده، یعنی توتم‌ها، معمولاً موضوع مراسم پرشور و تشریفات و آئین‌های خاص قرار میگیرند. این آئین‌ها معمولاً کیفیت ارتباط افراد را با جامعه از یکسو و با توتم، که خود مظهر آن جامعه است، از سوی دیگر تنظیم و تعیین میکنند.

(۳) بسیاری از انواع، اشیاء، و پدیده‌های یاد شده که همان توتم‌ها باشند حرمت تابوئی دارند و بر پیروان است که حرمت و حفاظت آنها را برعهده بگیرند تا مبادا کسی به آنها صدمه بزند، بکشد، و یا در صورت مآکول بودن، بخورد.

۴) نام و نسب و نشان توتهمی از راه تبار پدیری یا مادری از اسلاف به‌خلاف منتقل میشود.

۵) نام و نشان گروههای پیرو توتهم، مستقیم یا غیر مستقیم، از توتهم گرفته شده است.

۶) توتهمها ضمن آنکه گاه انواع اصلی و فرعی دارند، براساس مشابهت، افسانه، یا آئین‌هایی توسط پیروان انتخاب میشوند، اما فهمیدن اینکه چرا جانورانی خاص یا اشیائی طبیعی که گاه هیچ ارزش نمایانی یا رابطه صریحی با گروه توتهمی ندارند ولی به توتهمی برگزیده شده‌اند بسیار مشکل است. این انتخاب شاید براساس واقعه‌ای دیرینه بوده باشد که هنوز دلیلش بر محققان روشن نیست.

۷) اخبار، احادیث، و اساطیری که در مورد ماهیت توتهم و منشاء گروه انسانی پیرو آن تا کنون بدست آمده بسیار جالب‌توجه و مشحون از آگاهیهای لازم برای پی‌بردن به پیشینه دینی و اجتماعی انسان است، مثلا به‌وجب گزارش یا اسطوره‌های ممکن است نخستین نیای يك گروه توتهمیست، از شکل جانوری بصورت انسانی درآمده و بنیادگذار گروه توتهمی مربوط گشته باشد، یا ممکن است چنین تصور شود که جد اعلای يك گروه، با جانور توتهمی آن گروه، در روز نخست آمیزش کرده و گروه توتهمی از اولاد و نوادگان آن پا گرفته و روبه‌گسترش نهاده‌اند. در موارد دیگر راویاتی هست که به‌وجب آن نیای انسانی يك گروه خویشاوند، سروکاری مطلوب یا نامطلوب با جانوری یا چیزی طبیعی داشته است که سپس دستور داده یا وصیت کرده که جملگی اعقاب وی باید احترام همه گونه‌های آن را رعایت کنند.

۸) نشانها، نمادها یا سمبولها و تابوهای مربوط، از الزامات حتمی گروه توتهمی میباشد.

۹) همانطور که در تمام جوامع سازمان‌یافته بر بنیاد خویشاوندی معمول است، اعضای کلان، ملزم به‌حمایت و دفاع از یکدیگر بوده، از

صدمات متقابله بر حذرند، و در درون کلان، زناشوئی یا آمیزش جنسی از محرّمات و تابوهای اکید و شدید است.

مشخصات یادشده بالا کلیات و مشترکات عام توتمیسم میباشد، اما باید دانست که این ویژگیها نه تنها از سرزمینی به سرزمینی، بلکه از قبیله‌ای در سرزمینی به قبیله دیگر در همان سرزمین نیز ممکن است فرقه‌های اندک و بسیار داشته باشند.

توتمیسم : محور نهادهای دینی ابتدائی

توتمیسم چیست و از کجا آمده است؟

الف - درجه شمول:

توتمیسم عنوانی است کلی و عام در تحقیقات مردم‌شناسی. این عنوان کلی و عام به آن بخش از اعتقادات و اعمال انسانهای ابتدائی اطلاق میشود که ناظر به برخورد و بینش آنان نسبت به طبیعت زنده (گیاه و جانور) و برخی مقولات طبیعی دیگر میباشد. منظور از انسانهای ابتدائی، مردمانی است که از آغاز در قاره‌هایی چون استرالیا، آفریقا، آسیا، آمریکای مرکزی، و مانند آن زیسته‌اند. بقایای آن مردمان ابتدائی هم‌اکنون در حاشیه تمدنهای جهان بسر میبرند. انسان ابتدائی از پیشینه‌ترین مراحل حیات اجتماعی که تاریخ آن به دهها هزار سال پیش از پیدایش خط و کتابت میرسد، برای تنظیم روابط خود با محیط زیست خویش و نیز برای پاسخگوئی به نیازهای درونی خود، به شیوه‌ای از اندیشه درباره پدیده‌های طبیعی مانند جانوران، گیاهان (و گاه نیز اماکن و اشیاء) توسل جسته است. تا قبل از تشرّف انسان به ادیان توحیدی در هزاره‌های اخیر، هر قومی در ربع مسکون بنوعی دارای این گونه باورها بوده است. در قرآن کریم

نیز اشاراتی به‌اینگونه اندیشه‌های ابتدائی که پیش از ظهور ادیان توحیدی و گاه نیز همزمان با آنها در برخی اقوام رایج بوده است دیده میشود (۱).

ب - وجه تسمیه :

برخلاف تصور بعضی‌ها، توتمیسم نه‌دین یا مذهب است و نه در طول تاریخ بشر، منحصر به قوم معینی بوده است، بلکه همانطور که ذکر شد، قوم‌شناسان به‌شیوه‌های اندیشیدن مردم ابتدائی درباره پدیده‌های مذکور نام توتمیسم داده‌اند (۲). اما دلیل وجه تسمیه آن به‌این نام و با این تلفظ معین «توتمیسم»، اشتقاق آن از کلمه «اتوتمان» (ototeman) بوده است. اتوتمان کلمه‌ایست متعلق به‌قبیله آلگون کین (Algonkian) از بومیان اجیبوا (Ojibwa) واقع در منطقه دریاچه‌های بزرگ شمال شرقی آمریکا (۳).

ج - معنی لغوی :

کلمه توتم در آن زبان اصلاً به‌معنی «خویشاوند برادری و خواهری» است که عین عبارت انگلیسی آن چنین است (brother - sister kin)، و نزد آنان

۱- از بعضی سوره‌های قرآن اشاراتی صریح یا ضمنی به حرمت برخی پدیده‌ها استنباط میشود. البته دلایل صریحی که در علوم مردم‌شناسی و توتم‌شناسی بدان اظهارعلاقه میشود، برای ذکر پدیده‌های جانوری و گیاهی در قرآن آورده نشده زیرا لزومی بدان نبوده، اما آمدن آنها در قرآن خود نشان آنست که در گذشته‌های هزاران ساله حیات بشری، آن پدیده‌ها در قیاس با سایر پدیده‌ها دارای حرمت یا اهمیتی متفاوت با غیر خود بوده‌اند. در اینجا هدف آن نیست که درباره اهمیت قرآنی آنها سخنی بمیان آید، زیرا شأن و ساحت مقدس قرآن بسیار والاتر از آنست که ما در اینجا بتوانیم از عهده آن برآئیم. این خود میتواند موضوع تحقیق درخوری باشد. اما منظور ما فقط ذکر این مختصر است که در قرآن کریم نیز گهگاه اشاراتی به بعضی از جانوران و گیاهانی شده است که در قصص از منتهی بعیده و سنن انسانهای پیشین نقشی داشته‌اند و برای کار ما در این رساله نیز شواهد شایسته‌ای هستند.

2- Emile Durkheim, *Elementary Forms of Religious Life*, New York, 1965, p. 107.

3- Ebr. vol, 18, 197 Totemism, p. 529.

نمودار رابطه خونی بین برادران و خواهرانی است که از یک مادرند و ازدواج با یکدیگر را حرام میدانند (۴). حرمت ازدواج تا به میان خویشاوندان نسبی و سببی این خواهران و برادران تسری پیدا میکند (۵). ریشه این کلمه در زبان قوم اجیوا Ote میباشد که هرگز به تنهایی بکار نمی‌رود (۶).

د - نخستین کاربرد :

در سال ۱۷۹۱ برای اولین بار مترجمی بومی به نام (J. Long) در کتابی (۷) که در آنسال در لندن از وی منتشر شد، کلمه توتم را بکاربرد و مراد از آنرا بیان داشت. اما بیان وی، بعدها توسط محققان، معلوم شد که غلط بوده است (۸). ولی همین تحقیق و جستجو و اشتغال ذهنی محققان و مردم - شناسان به محتوای آن لغت، خود موجب تکرار کلمه توتم و دهن بدهن گشتن آن توسط خوانندگان آن کتابها گردید و رواج یافت. بعدها هم که تعبیر درست تر و علمی تر برای آن پیدا شد، کلمه توتم و رواج تحقیق درباره مفاهیم و محتویات آن، جای خود را در میان آثار مردم شناسان و افکار عمومی آن زمان که خوانندگان تحقیقات مردم شناسان بودند گشود و مصطلح گردید.

ه : نخستین گزارش :

در ۱۸۴۱ نویسنده‌ای موسوم به گری Gray در کتاب ماندگار خود (۹) گزارشی از توتمیسم استرالیایی‌ها نوشت و یادآور شد که در آنجا نظیر همان چیزی رایج است که در میان بومیان آمریکا رواج دارد. از آن زمان باین سو محققان در شناخت توتمیسم در همه جای جهان کوشیدند (۱۰).

4- Loc. cit.

5- ERE., vol. 12, 1974, p. 394 f.

6- ibid., p. 393., Ebr., p. 529.

7- J. Long, Voya ges and Travels of

an Indian Interpreter, London, 1791. quoted in ERE, p. 393.

8- ERE. loc. cit., EBr., ibid, p. 529.

9- Geoge Gray, Journales of Two Expeditions in North West Australia, II, p. 228. quoted in ERE, Vol. 12, p. 394.

10- Durkheim, ibid, p. 107.

در دهه ۱۸۵۰ شخصی موسوم به پیتر جونز (Peter Johns) که خود اصلاً اجدیوائی بود و پس از طی تحصیلات جدید و قبول مسیحیت، به قبیله خود برای تحقیق اعزام شده بود، نخستین گزارش درباره توتمیسم آمریکای شمالی را نوشت. پیتر جونز به زبان، فرهنگ، هنر، رسوم، پرستش‌ها و همه چیز قبیله مورد تحقیق خود مسلط بود و لذا در اثر خود چنین بیان داشت که برابر اعتقاد آن قبیله بزرگ و پر جمعیت روح بزرگ جهان، بزرگان متعلق به آن قبیله بزرگ توتم‌هایی عطا کرده، لذا کلان‌های قبیله باید با یکدیگر متحد باشند و هر کلان با کلان دیگر مواصلت کند تا دختران هر کلان به زناشویی پسران کلان دیگر روند.

او تاریخ بومیان اجدیوا را نوشت که پس از مرگش در سال ۱۸۵۶ بدون قید تاریخ، چاپ و منتشر گردید. در جایی از آن کتاب مینویسد که «روح بزرگ» فرزندان سرخ‌فام خود را (که اشاره به سرخ‌پوست بودن بومیان آمریکا است) به دستجاتی تقسیم کرد تا بدانند که همگی با یکدیگر نسبت دارند و دیگر آنکه در زمان سختی و جنگ، موظف به یاری یکدیگر باشند. هنگامی که یک فرد بومی در سفر به دستهای از بومیان غریبه برخورد کند، باید جویای کسانی شود که نشان قبیله‌ای وی را دارند و بگوید که او متعلق به قبیله آنان است، تا با وی همچون خویشاوند رفتار نمایند.

و اما هر قبیله با پارهای جانوران یا اشیاء مشخص میشود. مثلاً مردم قبیله اجدیوا توتم‌هایی از این قبیل دارند: عقاب، گوزن شمالی، گربه یا سمور آبی، خرس، گاومیش، گربه ماهی، اردک ماهی، نوعی درخت بنام Birch-bark، درخت بلوط سفید، و غیره و غیره (۱۱).

در اینجا به همین مقدار از معنی لغوی، تاریخچه پیدایش، وجه تسمیه، و گزارشهای اولیه درباره توتمیسم اکتفا میکنیم، و به معرفی نمونه‌هایی از انواع اولیه و بسیار قدیم آن در اکناف جهان میپردازیم.

۱۱- جرج گری فرماندار استرالیای جنوبی بود. او در سفرنامه خود شرح مفصلی از توتمیسم آنجا را نوشت.

نمونه‌هایی از توتمیسم‌های اولیه استرالیا - اینک به معرفی توتمیسم آن‌گونه اقوام بدوی استرالیائی میپردازیم که قدیم‌ترین نوع توتمیسم را دارند و بگواهی محققان امور زندگی و باورهای توتمی آنان هنوز دستخوش تغییرات بعدی نشده است. بنا به اظهار هویت A. W. howitt نویسنده کتاب «قبایل بومی جنوب شرقی استرالیا» در ۱۹۰۴، که خود سی و دو سال در میان این قبایل زیسته و کارشناس مسلم همه چیز آنان بوده (۱۲)، و بنا بقول سایر محققان، «ریشه و اصل قبایل بومی استرالیا بسیار قدیمی و باستانی است»، و تا سال ۱۸۶۰ که توتمیسم آنان موضوع تحقیق قرار گرفت «عقاید و اعمال آنان هنوز دست نخورده و اصیل بوده است» (۱۳).

این بدویان که دیری (Dieri) نام دارند در حوالی دریاچه ایر (Eyer) در صفحات جنوبی استرالیا سکونت دارند. سرزمین آنان بسیار گرم، خشک، و بی باران است. این اقوام از لحاظات بسیار، شبیه مردمان عهد حجرند، زیرا از لحاظ:

(الف) فرهنگ مادی:

- برهنه‌اند، و فقط کمربندی برای آویختن وسیله شکار خود دارند. فقط در زمستان با پوست کانگورو، و موش درختی، قسمتی از بدن خود را میپوشانند.

- با کشاورزی آشنا نیستند و خوراک خود را از گیاهان و جانوران بومی بدست می‌آورند.

- ابزار شکار آنان همه از سنگ تراشیده است، و حتی سفال‌راهم نمی‌شناسند.

- مسکن آنها کپرهائی کروی از شاخ و برگ درختان است

(ب) فرهنگ غیر مادی:

- معتقدند که کاهن قبیله موسوم به کونکی (kunki) با موجودات فوق طبیعی رابطه مستقیم دارد.

۱۲- هیس، پیشین، ص ۱۴۳.

۱۳- جان ناس، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی‌اصغر حکمت، تهران، ۱۳۴۸،

- معتقدند که ارواح گذشتگان و پهلوانان قبیله بنام مورامورا (Muramura) ها با کونکیها در ارتباطند و به قبیله از آن راه یاری میرسانند.
- اساطیر و افسانه‌های خاص خود دارند که مبین نگرش آنان به حیات و طبیعت است.
- رقص‌ها و آوازهای جادوئی برای مراسم بیماری و مرگ دارند.
- میپندارند که مرگ بر اثر اعمال جادوئی یا توطئه ارواح خبیث است یا به دلیل آن است که دشمن چربی بدن میت را کشیده و منجر به مرگ او شده، لذا به کمک کونکی قبیله، دشمن را شناسائی کرده و به قتل میرسانند.
- کونکی واسطه میشود تا ارواح خبیث، بیمار را رها کنند تا شفا یابد.
- کونکی در خشک‌سالی با اعمال جادوئی خود باران می‌آورد که مراسم مفصل و دلخراشی دارد (که چون از بحث ما خارج است از آن میگذریم).
- اگر مردگان به خواب بازماندگان آیند، باید بر سر قبور آنان غذا بگذارند تا مردگان غضب نکنند.
- زمستان سر قبر اموات آتش روشن میکنند تا از سرما مصون بمانند.
- پس از به گورگذاری مرده، پیرمردی از بستگان به درون قبر رفته «از صورت و رانها و بازوها و شکم او بریده، به اهل عزا که آنجا حلقه زده‌اند میدهد تا بخورند، زیرا گمان دارند که پیه و چربی مرده خواص سحرآمیز و نیروبخش دارد (فقط پدر و فرزند نباید از پیه یکدیگر بخورند)».
- برای ورود نوجوانان به جرگه مردان، اعمال و افکار بسیار خشن، مرگبار، و جنون‌آمیزی دارند که گاه ماه‌ها طول میکشد (که چون از اعمال و افکار توتمی نمیتواند باشد از بحث ما خارج است).

در مورد توت‌های خود نیز اعتقادات، اعمال، و افسانه‌هایی دارند که چون از موضوع‌های اصلی این مقاله است، بعضاً شرح داده میشود (۱۴).
توت‌میسس اولیه و قدیمه دیری‌ها - قبیله دیری (Dieri) های استرالیا مرکب از گروه‌های درون قبیله‌ای کوچکتری است که به آن‌ها در اصطلاح مردم‌شناسی کلان میگویند. چندین کلان (یا عشیره یا خاندان) تشکیل دهنده یک قبیله بزرگ است.

قبیله بزرگ دیری مرکب از بیست و هفت کلان است که توت‌های جانوری دارند ولی چند توت گیاهی نیز دارند. این کلان‌ها از لحاظ اصل و نسب، مادر تبار هستند. توت‌های خود را اعم از جانوری یا گیاهی نیاکان خود نمیدانند (۱۵). لکن در سرتاسر استرالیا، اعضای کلان‌ها با چشم احترام به توت‌های خود مینگرند.

هر فرد بومی که به احترام به توت‌ش ننگرد، به بی‌احترامی به او مینگرند و او را نیک مرد نمیدانند و در هیچیک از مراسم، مجاز به ایفای نقشی نیست (۱۶).

در قبیله دیگر موسوم به وات‌جوبالوک (Watjobaluk) از گوشت توت که یاورین (Yaverin) نامیده میشود به توت‌تعارف میکنند تا به‌باور آنان بدان وسیله پیوند نزدیک بین توت‌ها و کلان برقرار بماند (۱۷).

جرج‌گری (Sir George Grey) که سالیانی دراز فرماندار محلی در استرالیا بوده و در احوال قبایل استرالیایی غربی مطالعه عینی و عملی کرده، در یادداشتهای خود مینویسد که هر خانواده کلانی، جانور یا گیاهی را به‌نشان آرم یا علامت خانوادگی خود برمیگزینند که بزبان محلی

۱۴- همان و دنباله، هیس، پیشین، فصل دهم؛ زیگموند فروید، توت‌ها و تائو، ص ۵ و دنباله :

Durkheim, op. cit., p. 112 ff.

15- A.W. Howitt, The Native Tribe of South East Australia, London, 1904, p.90 ff, quoted in ERE, p. 395.

16- Howitt, ibid., p. 147 f. quoted ERE.

17- ibid., p. 241, quoted in ERE.

آنرا کوبونگ (Kobong) میگویند (۱۸). کلانها بین خود و کوبونگ خود رابطه‌ای مرموز و خاص قائلند و نکات خاصی را رعایت میکنند، مثلاً جانوری از نوع کوبونگ خود را اگر خفته ببینند آنرا نمیکشند. در صورت اجبار، جانور را با بی‌میلی میکشند، و تازه هنگام کشتن آن، راهی برای فرارش باز میگذارند. باورشان آن است که یکی از افراد آن جانور، نزدیک‌ترین یار و یاور آنان است که کشتن آن جنایت بزرگی محسوب میشود. یا مثلاً اگر کوبونگ یک کلان، سبزی یا گیاه معینی است، در روزها و به مناسبت‌های معینی از سال آنرا نمی‌چینند (۱۹).

مثال دیگر آن که کلان و یکلبورا در قبیله دیری «هنگامیکه فردی لطمه‌ای از کسی بخورد که نتواند حال خود را بازیابد، معروف میشود باینکه وی جانور، پرنده، یا خزنده‌ای را که او پدر مینامیده کشته است، ولذا انتقام آن عمل را اکنون پس میدهد...» نیز بر آن باورند که کشته شدن توتهم خودش در خطر مرگ است (۲۰).

توتهمیس در استرالیا دامنه وسیعی دارد. محققان در جستجوی علل برآمده معلوم داشتند که هر توتهم عمده و اصلی، تعدادی توتهم فرعی نیز دارد. مثلاً کشف کردند که توتهم اصلی قبیله سابق الذکر وات جوبالوک مار ساغری (Deaf Adder) است که توتهم‌های اطرافی و تابع آن عبارتند از یک نوع گربه محلی (Native cat)، قوی سیاه (Black Swan)، مار ببری (Tiger Snake)، طوطی تاج‌طلائی (Sulphur-crested cockatoo)، و سگ وحشی (Dingo) (۲۱). در حق این توتهم‌ها همان مراعاتی میشود که در مورد اصل

۱۸- کوبونگ همان جانور یا گیاه مورد احترام کلان است. در استرالیا آنرا کوبونگ و در آمریکا یعنی قوم اجیوا آنرا توتهم مینامند. چون روز اول و در گزارشها و نوشته‌های اولیه آنرا توتهم نامیدند، ناچار آن جانوران یا گیاهان یا اشیاء مورد رعایت و حرمت اقوام بومی بهمان نام معروف شدند، و گرنه چنان نیست که کلمه و لفظ توتهم را همه اقوام بدوی جانورستا یا گیاهستا بشناسند. چون در هر نقطه و جایی جانوران یا گیاهان و نظایر آنها نامی محلی دارند، مردم‌شناسان قرون پیش ناچار برای یکسانی لفظی، همان کلمه را که روز اول توسط نویسندگان، سیاحان و مترجمان احوال اقوام اجیوائی بکار رفت و معروف شد و در اذهان عامه جاگرفت بطور قراردادی بکار بردند.

19- ERE, p. 396.

20- Ibid.

21- ibid.

آنهار عایت میشود. مثلاً مردم قبیله بواندیک (Buandik) حتی جانوران توتمی فرعی خود را جز هنگام گرسنگی نمیکشند و نمیخورند، تازه در آن هنگام نیز تأسف خود را از خوردن دوستان (Warigong) خود اظهار میدارند. هنگامیکه آخرین کلمه را ادا میکنند، سینه‌هایشان را، برای نشان دادن پیوند نزدیک فی‌مابین خود و توتم خود، لمس میکنند باین معنی که گوئی خود را در آن حال حس میکنند (۲۲).

اما سخنی هم درباره برون همسری آنان بهمیان آوریم. این بومیان به دلیل شباهتی که از بسیاری جهات به مردم عصر حجر دارند، صاحب اخلاق، لباس، حجاب، کف نفس و مدارای جنسی، و سایر قراردادهای اجتماعی که متمدنین کنونی جهان در میان خود بدان عمل میکنند میباشند، لکن نسبت به زنانی که آمیزش جنسی با آنها منع شده، بقدری سختگیر و مراقب هستند که گوئی «تمام سازمان اجتماعی آنها تابع این هد فیا در جهت تحقق بخشیدن به آن است» (۲۳).

این قاعده کلی تقریباً در تمام قبایل توتمی جهان جاری است. چنانکه در بسیاری از جوامع متمدن نیز جاری است. زنان منع شده از آمیزش جنسی را «محارم» میدانند و آمیزش با آنها را «زنای با محارم» مینامند. بطور خلاصه باید گفت که افراد کلانی که خود را متعلق به یک توتم میدانند، حق ازدواج با یکدیگر را ندارند (۲۴).

اگزوگامی یا برون همسرگزینی یا «برون همسری» که از دورترین زمانها رسم ازدواجی و نکاحی جوامع بوده و تا به امروز برجا است و جای خود را در قوانین مدون و واجب‌الرعايه ملل در امر ازدواج گشوده، معلوم نیست از چه دوره‌ای و در چه مرحله‌ای لازمه بافت اجتماعی توتمیستی گشته و جزء لایتجزای آن شده است. توتمیسم بدون طبقات نکاحی تقریباً هنوز توسط محققان در هیچ جای جهان کشف نشده است. البته هر جا که

22- L. Fison. and W. Howitt, Komilaroi and Kurnai, Melbourne, 1880, p. 168 f. quoted in ERE.

۲۳- فروید، پیشین ص ۶ و دنباله.

۲۴- ناصرالدین صاحب‌الزمانی، روان‌کاوی و تحریم زناشوئی با محارم، تهران،

مطبوعاتی عطائی، ص ۲۷ و جاهای دیگر.

در ادوار جدیده، توتمیسم روبه تغییر یا زوال رفته، طبقات نکاحی آن نیز متناسباً تغییر یافته است.

توتمیسم اصیل و اولیه آفریقایی - بخش پهناوری از قاره آفریقا دارای سکنه‌ای است که پیرو ادیان طبیعی واز آن جمله توتمیسم میباشند. در مورد سیاهان متکلم بزبان تشی (Tshi) که در ساحل طلا سکونت دارند بیشترین اطلاعات در دست است. آن سیاهان قبیله‌زی، کلانهای متعدد دارند که عمده‌ترین آنها عبارتند از کلانهای پلنگ، گاومیش، سگ، طوطی، و چند کلان گیاهی مثل کلان گیاه بارهنگ (Plantain)، ساقه غله (corn - stalk) و نخل شیرهدار (Palm - Oil - Grove).

پلنگ نزد کلان پلنگ مقدس است. حتی گربه وحشی که بهر حال از نژاد پلنگ است، خوردن گوشتش برای اعضای کلان پلنگ جایز نیست. ممکن نیست کسی از آن کلان، پلنگی را بکشد. اگر تصادفاً نیز چنان کند، باید بگوید «برادرم را کشتم»، و بعد باید شیرۀ درخت نخل محلی را روی زخمش بمالد. اگر پلنگ را مرده بیابند باید تکه‌های پارچه سفیدی بر آن بگسترانند و پوزه‌اش را شیرۀ درخت نخل بمالند تا مراتب تأسف توأم با احترام خود را نسبت به پلنگ بجای آورند. اگر پلنگ مرده‌ای بشهر آورده شود، اعضای کلان وی به علامت عزاداری، خود را با گچ می‌آلایند و پلنگ را به خاک می‌سپارند. اگر عضوی از اعضای کلان پلنگ، در راهی سفری، یا بهر حال جائی پلنگی را ببیند باید پیش رویش به تماشا نه‌ایستد، باید به پلنگ پشت کند. واز دیدارش به دلیل ترس و احترام پرهیز نماید. جانور توتمی در میان آن اقوام محترم است. آنرا پدر خطاب میکنند. فرض بر این است که افراد کلان به راههای مختلف، مورد حمایت توتم واقع میشوند واز او استدعا مینمایند، تا خواسته‌های افراد را بر آورد. برای مشخص بودن کلانها علائم یا البسه‌ای در کار نیست، اما وقتی عضوی از کلان پلنگ میمیرد، عزاداران وی لکه‌های سرخ، سفید، و سیاه، با گل ولای رقیق بر بدنهای خود نقش میکنند تا هیبت و هیئت پلنگ را نمودار سازد. نقش پلنگ را هم بر دیوار خانه و بدنه تابوت میکشند (۲۵).

25- A.B. Ellis, *The Tshi - speaking Peoples of the Gold Coast*, London, 1887, p. 206., J. M. Sarbah, *Fanti Customary Laws*, 1897, p. 4., *Journal of the Anthropological Institute* XXXVI, 1906, p. 178 ff. (ERE).

در بانوکوی آفریقا (Banoko) ، یکی از کلانهای توتمی، جوجه تیغی را توتم خود میداند. این کلان بطور عمده دو گونه مراسم و مجالس برای توتم خود برپا میدارند. مجالس شادی و مجالس عزاداری. در مجالس شادی، برای توتم (جوجه تیغی) خود میهمانی میدهند، آواز میخوانند، نام توتم را بر زبان و در آوازهایشان می آورند، آنرا پرستش میکنند و احترام میگذارند. اگر کسی با آن جانور بد رفتاری کند غمگین میشوند، مویه سر میدهند، تیغهای ریخته شده جوجه تیغی را گرد میآورند. اگر جوجه تیغی بر اثر آزار کسی کشته شود، پیروانش تف بر خود میاندازند، ابروهای خود را به علامت ماتم و تأثر میمالند، و در آن حال چنین میگویند «سرورمان را، یکی از خودمان را که اکنون برایش گریه میکنیم، کشتند». اگر گوشت آنرا بخورند گمان دارند که خواهند مرد، اما نوزاد را با گوشت آن مداوا میکنند و آنرا با شیر برخی گیاهان میآمیزند و بر بدن بچه میمالند (۲۶).

افراد کلان باکونا (Bakuena) سوسمار را توتم خود میدانند. سوسمار را پدر خود خطاب میکنند. آنرا در میهمانیهای خود حرمت مینهند. بجان سوسمار قسم میخورند. همه افراد کلان، سوسمار را پدر، سرور، و ولینعمت خود میدانند.

از کلانهای دیگر نیز مشابه همین وضع گزارش شده است. کسی نمیتواند گوشت جانوری را که اسمش بر او نهاده شده بخورد، یا از پوستش تن پوش سازد. اگر جانور توتمی مثلاً شیر باشد و در شرایط مجاز بخوانند آنرا شکار کنند (۲۷)، پس از زخمی کردنش و پیش از کشتنش حتماً از کار خود ناراحت میشوند، از شیر حلالیت میطلبند و طلب بخشش میکنند. افراد کلان شیر، بتایونگ (Bataung) ، در اوقات عادی بشدت از تماس با بدن

26- T. Arbousset and F. Daumas, Narrative an Exploratory Tour to the I.E. of the colony of the cape of Hope, trans. J.C. Brown, cape Town, 1846, p. 176, quoted in ERE.

۲۷- همانطور که در جاهای دیگر ذکر شده جانور توتمی را در اوقات معینی از سال طی تشریفات میخوانند ذبح کنند، یا گیاه توتمی را بچینند استفاده کنند.

شیر میپرهیزند، زیرا توتهم خاصیت تابوئی دارد. چون شیر را نیای خود میدانند، میگویند که «چگونه ممکن است کسی از گوشت نیای خود بخورد؟ حتی رئیس قبیله شیر هم حق ندارد از پوست آن برای خود جبه یا شیل بسازد» (۲۸).

اینک به توصیف توتهمیس‌های بسیار قدیم قبائل سرخ‌پوستان آمریکا میپردازیم:

قبیله آگون کوئی - افراد هر کلان از کلان‌های بیرون قبیله، مثلاً ساکس، تبار خود را از توتهمی میدانند که نام آن بر کلانشان نهاده شده است (۲۹). بومیان ساکس یا نواحی موس کواکیز Musquakies در میان اطرافیان و همسایگان خود رقصهائی به افتخار توتهمی خود برپا میداشتند. در این رقصها رقصندگان با چنان لباسها و ماسکهائی ظاهر میشدند که شباهت به جانوران توتهمی خود داشتند و بقدری مخوف بودند که زنان بشدت میترسیدند. لذا بعدها بجای ماسکهائی ترسناک قدیمی ماسکهائی ساده‌تری را بکار میبردند (۳۰).

در قبیله آبناکی از آگون کوئی، بازوها، سینه‌ها، وساق پای توتهمی خود را رنگ آمیزی می‌کردند (۳۱) تا آنها را بدان وسیله مخصوص و محترم گردانند (۳۲). نمونه دیگر از احترام به توتهم، در کلان خرس از

۲۸- آربوست و دوماس، پیشین، ص ۲۱۳ و دنباله:

E. Casalis, *The Basutos*, London, 1861, p. 211 (ERE).

29- Mary A. Owen, *Folk - Lore of the Musquakie Indians*, London, 1904, p. 8, (ERE).

۳۰- همان، ص ۵۱ و دنباله.

۳۱- همان، ص ۱۵.

۳۲- بعضی از نویسندگان غیر متخصص در مردم شناسی معتقدند که این رنگ آمیزی بزای مختص گردانیدن آن جانوران به خود کلان مربوط و جلوگیری از تصرف و تملک آنها توسط کلان‌های دیگر بوده است و خلاصه، آن را به دلایل اقتصادی و مالکیتی تعبیر میکنند. حال آنکه آن قبایل به دوره کشاورزی و دامداری گام نهاده و دیگر آنکه توتهم‌هایشان کلا جنگلی، وحشی، درنده، و ناماکول بوده‌اند.

همان قبایل آلگون کوئی است، و آن از این قرار است که هنگام کشتن یک خرس، مراسم خاصی به گمان خود برای تسلای خرس بجای می‌آوردند که از آن جمله است تقدیم اندکی از گوشت خرس مذبوح به خودش (۳۳). وقتی عضوی از آن کلان یا کلان ماهی قنات می‌مرد، او را دفن می‌کردند، حال آنکه عضوی از کلان خرگوش صحرائی بزرگ (Great Hare) وقتی که می‌مرد او را به گمان خود طبق حکم توتیم قبيله که همان خرگوش باشد می‌سوزاندند تا خاکستر شود (۳۴).

باز در کلان خرس ولی در ناحیه دیگری در قبيله منومینی، از همان بومیان آلگون کوئی رسم دیگری نقل شده است: عضوی از کلان خرس اگر هنگام شکار خرسی را میدید و شکار میکرد بایستی قبل از کشتن آن خرس، از وی عذرخواهی کند. هیچ فردی از کلان نمیتوانست از گوشت آن بخورد (هرچند اعضای کلان‌های دیگر میتوانند بخورند). ولی خود شکارچی مجاز به خوردن سر و پا (یا کله‌پاچه) آن بود. استخوان سرجانور را به‌دقت در جای امنی در کلبه بومی خود با احترام دفن میکردند تا همچون بقایای مقدس جانور توتیمی خود مثل دوره حیاتش نسبت به آن ادای احترام نمایند (۳۵).

اجیبوائی - در صفحات قبل ذکر شد که کلان‌های اصلی و مهم اقوام اجیبوائی کلا عبارت بودند از کلان گرگ، خرس، سمور، گربه‌ماهی، درنا، وانبوهی از کلانهای ریز و درشت دیگر که بعضی از محققان آنها را تا چهل کلان دانسته‌اند. همگی آنها را برون همسر (اگزو گاموس) گزارش کرده‌اند. نام هر جانور توتیمی که بر هر کلانی نهاده شده باشد، توسط افراد همان کلان به توتیمی خود برگزیده شده است، اما نکته در آن است که «اعضای یک کلان توتیمی، پیوند نزدیک با تمام اعضای دیگر پیروان همان

۳۳- از لحاظ روانی و درون‌کاوی، تسلای خرس جانشین تسلی‌دادن افراد کلان به خودشان است، و گرنه با دید علمی روشن است که خرس مقتول تسلی‌بردار نیست. این عمل معذرت‌خواهی از حیوان مقتول با تقدیم اندکی از گوشتش به خودش، در واقع عملی است برای رهایی افراد کلان همان جانور توتیمی از اضطراب درونی خودشان و راحت شدن از بار احساس گناهشان که ناشی از کشتن توتیم عزیز و محترمشان است.

34- J.G. Frazer, Totemism and Exogamy, vol. 111, 1910, pp. 66 - 67, (ERE).

توتم دارند ولو آنکه از قبایل دیگر باشند» (۳۶). بطور مثال در سه قبیله آگون کوئی، ایرا کوئی، واجیبوائی کلان‌هائی هست که توتم آنان خرس است. افراد این سه کلان با آن که از سه قبیله جداگانه و دور از همند، احترام هرخرسی را در هر جا که باشد به تداعی خرس توتمی خاص و محلی خود رعایت میکنند و بین افراد آن سه کلان از این لحاظ پیوند، همنوائی، و سازگاریهای پدید می‌آید. آنان البته توتم جانوری خود را مثلا همان خرس محلی خود را میستایند و حرمت مینهند، لکن حرمت نوع خروس در هر جا باشد به نیابت خرس توتمی محلی خودشان، برایشان واجب‌الرعايه میشود.

کلان درنا نام خود را از همان پرنده بلندپای قوی هیکل گردن‌دراز گرفته است که صدایی روشن و رسا و پرطنین دارد. اعضای این کلان صدایی رسا و پرطنین دارند و سخنگویان خوش‌بیان قبائل خویش شناخته شده‌اند (۳۷).

کتابنامه

(فارسی)

- ۱- آریان پور، امیرحسین، زمینه جامعه‌شناسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۷.
- ۲- روح‌الامینی، محمود، مبانی انسانی‌شناسی، تهران، چاپ فاروس ایران ۱۳۵۷.
- ۳- صاحب‌الزمانی، ناصرالدین، روان‌کاوی و تحریم زناشوئی با محارم، تهران مطبوعاتی عطائی، ۱۳۴۴.
- ۴- فروید، زیگموند، توتیم و تابو، ترجمه محمدعلی خنجی، تهران، کتابخانه طهوری، چاپ دوم، ۱۳۵۱.
- ۵- فلیسین‌شاله، تاریخ مختصر ادیان بزرگ، ترجمه منوچهر خدایار محبی، تهران؛ کتابخانه طهوری، ۱۳۵۵.
- ۶- کلان‌برگ، اتو، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه علی‌محمد کاردان، جلد اول، تهران، نشر اندیشه، ۱۳۵۵.
- ۷- لیچ، ادموند، لوی استروس، ترجمه حمید عنایت، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۰.
- ۸- لوی استروس، کلود، توتیم‌سیم ترجمه مسعود راد، تهران، انتشارات توس، ۱۳۶۱.
- ۹- ناس، جان، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی‌اصغر حکمت، تهران.
- ۱۰- هیس، ه. ر؛ تاریخ مردم‌شناسی، تهران، ابن‌سینا، ۱۳۴۰.

کتاب نامہ

(انگلیسی)

- 1- Arbousset, T., and Daumas, Narrative, an Exploratory Tour to the N.E. of the Colony of the Cape of Hope, Trans. J.C. Brown, Cape Town, 1846.
- 2- Boas, Franz, "The Origin of Totemism", American Anthropologist, Vol. 18, 1916.
"Report to U.S. National Museum", Washington, 1895.
- 3- Briffault, Robert, The Mothers, Abridged by Gordon Rat tray Taylor 1959.
- 4- Casalis, E., The Basutos, London, 1861.
- 5- Crooke, W., Tribes and Castes of the N.E. Provinces and Oudh, Calcutta, 1896.
- 6- Dorsey, J.O., "Annual Report of the American Bureau of Ethnology", 1884.
- 7- Eliade, Mircea, The Ovest - History and Meaning in Religion, Chichago, 1969.
- 8- Elkin, A.P., "Studies in Australian Totemism, Sub-section and Moiety", Oceania, Vol. 4, 1933.
- 9- Ellis, A.B., The Tshi - speaking Peoples of the Gold Coast, London, 1887.
- 10- Evans - Pritchard, E.E. The Neur Religion, London, 1940.
"Zande Clan Names", Man, p. 110, 1956.
The Institutions of Primitive Society, London, 1961.
- 11- Fewkes, J.W. 19 Reports of the Bureau of Ethnology, Washington, 1900.
- 12- Firth, Raymond, "Totemism in Polynesia", Oceania, Vol. 1, No. 3 1930 - 1, 1961.

History and Traditions of Tikoria, Wellington,

- 13- Fortes, Meyer, **The Dynamics of Clanship among the Tallensi**, London, 1945.
- 14- Frazer, J.G., **Totemism and Exogamy**, London, 1910.
The Golden Bough, London, 1890.
- 15- Freud, Sigmund, **Totem and Taboo**, Trans. in Persian, London, 1918.
- 16- Gaster, Theodor, **The New Golden Bough**, New York, 1964.
- 17- Goldenweiser, Alexander A., "Totemism, an Analetic Study", *Journal of American Folklore*, Vol. 23, 1910.
"Form and Content in Totemism", **History, Psychology, and Culture**, New York, 1933.
American Anthropology, Vol. 20, 1918.
- 18- Haddon, Alfred Cort, and Rivers, William Halsey, **Reports of the Cambridge Anthropol. Exped. to Torres Straits**, Cambridge, 1901 - 8.
- 19- Hill - Tout, C., **The Far West, the Home of the Salish and Dene**, London, 1907.
- 20- Hoffman, W.J., **Report of the Bureau of Ethnology**, Washington, 1896.
- 21- Howitt, Alfred W., **The Native Tribes of South East Australia**, London, 1904.
- 22- Howitt, Alfred W., and Lorimer Fison, **The Kamileroi and Kurnai**, Sidney, 1880.
- 23- Jones, Peter, **History of the Ojebway Indians**, London, 1856.
- 24- Kroeber, Alfred Lewis, **Zuni Kin and Clan**,..., 1917.
The Nature of Culture, Chicago, 1952.
"Totem and Taboo", *American Anthropology*, Vol. 22, No. 1, 1920.
- 25- Lang, Andrew, **The Secret of the Totem**, London, 1910.
Methods in the Study of Totem, London, 1911.
- 26- Levi - Strauss, Claud, **Totemism**, Eng. trans., London, 1973.
Les Structures elementaires de la Parente, Eng. trans. of revised edition, London, 1969.

- 27- Long, J., **Voyages and Travels of an Indian Interpreter and Trader**, London, 1791.
- 28- Malinowski, Bronislaw, **Sexual Life of Savages in N.W. Melanesia**, London, 1929.
Magic, Science, and Religion, London, 1954.
- 29- Marett, Robert Ranulph, **The Threshold of Religion**, New York, 1914.
- 30- Mauss, Marcel, **The Gift: Forms and Functions of Exchange in Archaic Societies**, trans. Ian Cunnison, London, 1954.
- 31- McLennan, John Ferguson, **The Worship of Animals and Plants**, London, 1869.
- 32- Morgan, Lewis Henry, **Ancient Society**, New York, 1877.
- 33- Owen, Mary A., **Folk - Lore of the Musquakie Indians**, London, 1904.
- 34- Radcliffe - Brown, Alfred, **The Sociological Theory of Totemism**, London, 1929.
Structure and Function in Primitive Society, London, 1952.
- 35- Radin, Paul, **Primitive Religion**, New York, 1957.
- 36- Rivers, William Halsey, **The History of Melanesian Society**, 2 vols., London, 1912. and Cambridge, 1914.
Social Organization, London, 1924.
- 37- Robertson Smith, William, **Kinship and Marriage in Early Arabia**, London, 1885.
The Religions of the Semites, London, 1889.
- 38- Roscoe, J., **The Baranda**, London, 1911.
- 39- Russel, R.V., **Tribes and Castes of the Central Provinces of India**, London, 1916.
- 40- Sarbah, J. M., **Fanti Customary Laws**, London, 1897.
- 41- Schmidt, Wilhelm, **The Origin and Growth of Religion**, New York, 1931.
- 42- Schoolcraft, Henry Rowe, **Notes on the Iroquois**, Albany, 1847.
- 43- Sidney Haryland, E., "Totemism", **Encyclopedias of Religion and Ethics**, Vol. 12, 1974.

- 44- Spencer, Baldwin, and Gillen, F.J., **The Native Tribes of Central Australia**, 1899.
- 45- Steiner, Franz, **Taboo**, London, 1967.
- 46- Thurston, E., **Castes and Tribes of South India**, Madras, 1909.
- 47- Tylor, Edward Burnette, "Remarks on Totemism with Especial Reference to some Modern Theories Concerning It", *Journal of the Royal Anthropological Institute*, Vol. XXVIII, 1899.
- 48- Van Gennep, Arnold, **Tabou et Totemisme a Madagascar**, Paris, 1904.
Totemisme et methode Comparee, Paris, 1908.
- 49- Wach, Joachim, **Sociology of Religion**, Chicago, 1944.
- 50- Webster, Hutton, **Primitive Secret Societies**, New York, 1908.

کتابنامه

(مجلات، فرهنگنامهها، و دائرهالمعارفها)

- 51- Journal of the Two Expeditions in North West and West Australia, London, 1841.
- 52- Journal of the Anthropological Institute XXXVI. London, 1906.
- 53- Journal of the Royal Anthropological Institute XI, London, 1910.
- 54- Dictionary of Anthropology, Charles Winik, New Jersey, 1961.
- 55- Dictionary of the Social Sciences, London, 1964.
- 56- Dictionary of Sociology, Henry prat Fairchild, New York. 1961.
- 57- Dictionary of Sociology, Ed. Duncan Mitchell, London, 1968.
- 58- Encyclopedia Americana, Vol. 26, 1937.
- 59- Encyclopaedia Britannica, Vol. 18, 1974.
- 60- Encyclopedia International, Vol. 18, 1963.
- 61- Encyclopedia of Intrnational Social Sciences, Vo.l...., 19 ...
- 62- Encyclopaedia of Religion and Ethics, Vol. 12, 1974.
- 63- Encyclopaedia of Soviet, Eng. trans., Vol. 26, 1973.